

عنوان

از جوانی تا به پیری ز پیری تا به کی؟

نویسنده

سید علیرضا موسوی

www.ketab.ir

تابستان ۱۴۰۲

سرشناسه	: موسوی، سیدعلیرضا، ۱۳۸۲-
عنوان و نام پدیدآور	: از جوانی تا به پیری ز پیری تا به کی/ نویسنده سیدعلیرضا موسوی.
مشخصات نشر	: تهران : موسسه فرهنگی انتشاراتی اولین ها ، ۱۴۰۲.
مشخصات ظاهری	: ۶۱ ص. ۹/۵۴ × ۱۹ س.م.
شابک	: ۹۰۰۰۰ ریال ۹-۱۶-۸۰۴۲-۶۲۲-۹۷۸ :
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
موضوع	: شعر فارسی -- قرن ۱۵ st century ۲۱ Persian poetry --
رده بندی کنگره	: PIR۸۳۶۱
رده بندی دیویی	: ۶۲/۱۸۴
شماره کتابشناسی ملی	: ۹۳۲۰۲۵۰
اطلاعات رگورد کتابشناسی	: فیبا

تهران: میزان انقلاب، بهمن‌ماه منبری جاوید ساختمان افق پلاک ۱۳۶۰
واحد ۱۵ همراه ۰۱۱۴۳۳/۳۷۱۵-

عنوان: از جوانی تا به پیری ز پیری تا به کی؟

مولف: سید علیرضا موسوی

موسسه فرهنگی انتشاراتی اولین ها

نوبت چاپ: اول، ۱۴۰۲

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

چاپ: مجدد

قیمت: ۹۰۰۰ تومان

شاپک: ۹۷۸-۶۲۲-۸۰۴۲-۱۶-۹

۹	مقدمه
۱۱	بیچاره دلت را
۱۲	بر سنگ قبر او نوشتم
۱۴	تمثیل ب
۱۵	باید که بیمارم شوی
۱۶	چه کنم؟
۱۷	بخشیدمت
۱۸	عاشقتر از آنم
۱۹	حضرت آدم را حوایی می‌کند
۱۹	زخم شیدایی
۲۱	از جوانی تا به پیری ز پیری تا به کی؟
۲۲	با خدایم بر سر جنگ آمدم
۲۳	رخ ماهت
۲۴	از قطره به دریا شلغم باش
۲۵	پرسه در روپای تو
۲۶	روزی گلوی تو هم می‌گیرد
۲۷	باخت به تو
۲۸	تاریکی
۲۹	اندکی دیر است
۳۰	جسم بی جان من
۳۱	دردم را شنید
۳۲	به فدایت بروم
۳۳	میخرم
۳۴	تق تق کنی؟
۳۵	پیراهن سبزم
۳۶	ساقی بیچاره
۳۷	معجزات خدایی

- ۳۸ باور نکن تنهاییات را
 ۳۹ تو
 ۴۰ تجربه هایت همه تکرار است
 ۴۱ باز کن موهایت را
 ۴۲ گرمی بوسه
 ۴۳ آرامش جانی
 ۴۴ پسر بچه ساده
 ۴۵ به موهای سفیدم چه میگویی؟
 ۴۶ روح در قلب من زندانیست
 ۴۷ پاکت سیگار
 ۴۸ بخند
 ۴۹ چه خواهی کرد؟
 ۵۰ مرا شینا کرد و رفت
 ۵۱ یک دو، سه نشد
 ۵۲ خبری نیست
 ۵۳ خداوند خودت پادرمیانی کن
 ۵۴ قلم
 ۵۵ اهل دل و شعر سپید
 ۵۶ دیوانه آمده بودم
 ۵۷ چه غم از خنجر بعدی؟
 ۵۸ هوای عشق
 ۵۹ نگفتم گفتنی ها را
 ۶۰ سکوتی که بر دیوار قلب من فریاد شد
 ۶۱ خدایی و خدایی

مقدمه

شاید از زمانی که اولین قطره اشک بر گونه ام جاری شد، از زمانی که اولین بار خندیدم و اولین صداها را شنیدم عاشق شدم؛ عاشق نوشتن، خواندن، مجاله کردن و دوباره نوشتن.

علاقه‌ام به نوشتن و احترامم به قلم، سبب گردیده این مجموعه از دلتوشته‌هایم را به عزیزانم تقدیم کنم. عزیزانی که در طول چند صبحی که از عمرم می‌گذرد، همواره در شادی و غم، همراه و هم‌قدم من بودند.

برای من، هدف‌هایی که به دست نیامدند، رویاهایی که به پوچی گراییدند، آرزوهایی که محال شدند، ک‌شوری که به خاک و خون افتاد، مسافرتی که به مهاجرت ختم شد، رنج‌هایی که عادت شدند و انسان‌هایی که به خاطره‌هایم پیوستند، همه‌گی در نوشتن این مجموعه یاری رساندند.

سیاس از ملت افغانستان که پس از چندین دهه جنگ و خونریزی باز هم لبخند به لب دارند، هنوز هم به فردای سرسبز و آرام امیدوارند.